

اهونودگاه زرتشت

دین برداشت از خاور و باخترزمین

ایرج تاراپوروالا، هلمونت رولاج

پژوهش و نوشته

دکتر اردشیر بهمردی



سرشناسه	: بهمردی، اردشیر، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: اهنودگاه زرتشت: دو برداشت از خاور و باختر زمین (تاراپوروالا، هومیاخ) / پژوهش و تحقیق اردشیر بهمردی.
مشخصات نشر	: تهران : بهجت، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۸ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: فلیا
موضوع	: اوستا. فارسی-اوستایی. یسنا. گاهان. اهنونهوتی
موضوع	: اوستا --ترجمه‌ها
موضوع	: اوستا. یسنا. گاهان. اهنونهوتی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ PIRE۷۳
رده بندی دیویی	: ۲۹۵/۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۴۸۷۰۳



انتشارات بهجت

اهنودگاه زرتشت دو برداشت از خاور و باختر زمین

پژوهش و نوشته: دکتر اردشیر بهمردی
صفحه‌آرا: پریچهر نمازی
چاپ: گلشن سبز
چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان: ۵۰۰ جلد
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

ISBN:978-600-338-040-0

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۸-۰۴۰-۰

دفتر توزیع و فروش انتشارات بهجت
تهران، خیابان میرزای شیرازی، شماره ۱۶۲
تلفن: ۸۸۸۹۹۹۰۷ - دورنگار ۸۸۹۴۱۱۴۶

انتشارات بهجت
تهران، ولیعصر، دوراهی یوسف آباد، شماره ۱۹۷۸
تلفن: ۸۸۹۶۷۱۷۶ - دورنگار ۸۸۹۵۷۱۷۶

www.behjatpublication.com

info@behjatpublication.com

فهرست

۷	چکیده
۸	سیاسگزاری
۹	پیشگفتار
۱۱	آهنگ سرودهای گاهانی
۱۱	پیشینه
۱۳	پژوهش‌های گاهان
۱۴	پژوهش‌های اوستاشناسی در ایران
۱۵	زبان گاهان و دشواری‌های زند آن
۱۶	ناهمسانی بنیادی دیدگاه‌ها و برگردان گاهان، میان خاورشناسان و موبدان
۱۷	ارزشمندی این بررسی
۲۲	روش کار
۲۵	سرود یکم
۲۵	بند یکم تا یازدهم
۲۵	یستا، هات ۲۸
۷۳	سرود دوم
۷۳	بند یکم تا یازدهم
۷۳	یستا، هات ۲۹
۱۲۱	سرود سوم
۱۲۱	بند یکم تا یازدهم
۱۲۱	یستا، هات ۳۰
۱۶۹	سرود چهارم

۱۶۹	بند یکم تا بیست و دوم
۱۶۹	یسناءات ۳۱
۲۶۱	سرود پنجم
۲۶۱	بند یکم تا یازدهم
۲۶۱	یسناءات ۳۲
۳۲۹	سرود ششم
۳۲۹	بند یکم تا یازدهم
۳۲۹	یسناءات ۳۳
۳۸۷	سرود هفت
۳۸۷	بند یکم تا یازدهم
۳۸۷	یسناءات ۳۴
۴۵۱	فهرست منابع
۴۵۳	ABSTRACT

چکیده

واژه‌یابی و برداشت دانشمندان باخترزمین (غربی) در برگردان گاهان که بیشتر بر زبان‌های هم‌خانواده اوستا به‌ویژه زبان هندی باستان است با برداشت موبدان (خاورزمین) که بیشتر به‌صورت ایستاری (سنتی) اوستا را آموزش دیده‌اند و به سخن گذستگان (مطمئن) هستند و در واژه‌یابی و بازنمود (توضیح) آن‌ها به جستجوی مفهیم رمزی (استعاره و کنایی) می‌پردازند که از راه ایستار (سنت) سینه‌به‌سینه، آنان رسیده است، ناهمسان است و دیدگاهی نوین از اوستا به‌ویژه گاهان به دست می‌دهد که آگاهی بر آن می‌تواند راه گشای دریافت نوینی باشد.

برای رسیدن به این خواست، شیوه و بررسی برگردان‌های پارسیان هند مانند دالا، پوروالا، کانگا و موبدان ایرانی، نند آذرگشسب و شهزادی با برگردان‌های زبان‌شناسان و خاورشناسان مانند هم‌باخ، بارتلمه، کلنز و دیگران سودمند است. از میان یادگارهای این گروه و برای آسان‌سازی نوین در بررسی گاهان، اهوئودگاه زرتشت با برگردان تاراپوروالا که برگردانی است برای موبدان ایستاری است و سنجش کوتاه و فراگیر (کلی) آن با برگردان هم‌باخ که برگردانی استیگان بر اوستا به زبان‌های اروپایی است، گزینش شد و هریک از برگردان فراگیر نویسه (دست‌نوشته) و کندوکاو (تحلیل) واژه‌ای آن‌ها با یکدیگر سنجش گردید. روشن است که در کنار این بررسی، اندیشه‌ها و برداشت‌های اوستا شناسان دیگر نیز کندوکاو شده است.

این نوشتار دارای یک پیشگفتار و هفت فرگرد (بخش) است پیشگفتار دربردارنده چکیده‌ای از اوستا و گاهان و هریک از نوشته‌های هفت‌گانه آن است و نوشته بنیادین، بررسی برجسته‌ترین بخش گاهان، اهوئودگاه است.

پیشگفتار

کیش زرتشت سرگذشتی پرفرازونشیب دارد که گستره آن از پایان روزگار کوچ‌روی در درون استپ‌های آسیای مرکزی تا پایان شاهنشاهی بزرگ ایران (ساسانیان) است. ولی پس از تازش تازی‌ها در سده هفتم میلادی، دین زرتشت از دین بینرسان به دین کمترین دگرگون شد، ماندگاری این آیین به مدت ۱۴۰۰ سال در چنین رویاری زمان آشکاری از پایداری، بی‌باکی و پابندی پیروان آن است. این ویژگی را می‌توان پیامد اندرزهای پیام‌آور دانست که با جهان‌بینی برجسته خود روزگار را برای پیروانش سازماندهی نمود.

گائده‌ها یا گاهان سرودهای زرتشت یکی از کهن‌ترین نوشته‌هایی است که در جهان برجای‌مانده است. واژه *gāthā* (گائ) به معنی چم (معنی) چکامه و سرود یا گروهی از سرودهای نیایشی است. در سانسکریت *gāthā* به چم ترانه و آواز است. واژه دوگاه، سه‌گاه، چهارگاه و پنج‌گاه نیز باز، بنده ممین واژه گاهانی است در پهلوی *gāh* (گاه) گویند و جمع آن به گونه *gāhan* (گهان) به کار می‌رود.

سرودهای گاهانی دارای سامان (نظم) هجایی و بخش‌بندی هجایی آن تقریبی است. هر یک از بخش‌های یسن را هات گویند. از ۷۲ هات یسن، ۱۷ هات از آن گاهان است که به پنج‌گاه بخش می‌شود:

- ۱- آهونویتی‌گائا (اهونودگاه) *ahunavaitī gāthā* از: *ahuna-* هستی‌بخش، سرور، دارای ۷ هات، ۱۰۰ بند و ۳۰۰ بیت است. این بند گویا در آغاز گاه نخست قرار داشته است و از این‌رو این گاه اهونودگاه نامیده شده است. گاه نخست از پاره‌های سه‌بیتی تشکیل شده است و هر بیت ۱۶ هجا دارد. ۷ هجا در نیم بیت نخست و ۹ هجا در نیم بیت دوم است. پاره‌های هر یک از هاتهای گاه نخست به شرح زیر است. هات اول ۱۱ پاره، هات دوم ۱۱ پاره، هات سوم ۱۱

پاره، هات چهارم ۲۲ پاره، هات پنجم ۱۶ پاره، هات ششم ۱۴ پاره و هات هفتم ۱۵ پاره، این بخش از گاهان، از یسن ۲۸ تا ۳۴ است.

۲- اوشتَویتی گائا (اشتودگاه) *uštavaiti gāθā* از: *ušta-* یا *uštā-* بنا بر خواست، دارای چهار هات از هاتهای یسنا است. از هات ۴۳ تا هات ۴۶ هات نخست ۱۶ پاره، هات دوم ۲۰ پاره، هات سوم ۱۱ پاره و هات چهارم ۱۹ پاره دارد. گاه دوم از پاره‌های پنج بیتی تشکیل شده است. هر بیت یازده هجا دارد. ۴ هجا در نیم‌بند نخست و ۷ هجا در نیم‌بند دوم است، یعنی روی هم چهار یسن، ۶۶ بند و ۱۳۰ بیت است.

۳- سپنتاهَ بیوگائا (سپنتمدگاه) *spəntā.mainyū gāθā* از: *spənta-* دارای پارسایی، هوس و خاوند، سپند و *mainyu-* مینو، چهار هات است، هات نخست ۶ پاره، هات دوم و سوم هر یک ۱۲ پاره و هات چهارم ۱۱ پاره دارد. این گاه از یسن ۴۷ تا ۵۰ است. گاه سوم، از پاره‌های چهار بیتی تشکیل شده است. هر بیت یازده هجا دارد، ۴ هجا در نیم‌بند نخست و ۷ هجا در نیم‌بند دوم است. این یسن دارای چهار یسن، ۴۱ بند و ۱۰۴ بیت است.

۴- وُهوخشترِاگائا (وهوخشترگاه) *vohū.xš.θra gāθā* از: *vohū-* نیک و *xšaθra-* شهریاری، دارای یک هات (یسن ۱۱) و ۱۲ پاره است. گاه چهارم از پاره‌های سه بیتی تشکیل شده است. هر بیت ۱۴ هجا دارد، ۷ هجا در نیم‌بند نخست و ۷ هجا در نیم‌بند دوم. این گاه یک یسن و ۶ بیت دارد.

۵- وهیشتوایشت گائا (وهیشتوایشگاه) *vahistōišt gāθā* از: *vahišta-* بهترین و *īštiš-* دارایی، ۹ پاره است. این گاه از پاره‌های چهار بیتی تشکیل شده است. نیم‌بند نخستین دو بیت نخست و دوم ۷ هجا و نیم‌بند دوم آن ۵ هجا دارد. بیت‌های سوم و چهارم ۳ نیم‌بند دارند. نیم‌بند نخست و دوم ۷ هجا و نیم‌بند سوم ۵ هجا دارند. این گاه یک یسن و ۳۶ بیت دارد.

در این نوشتار، تاراپوروالا هجابندی نوینی را نمایش داده است که در پایان هر بند آورده شده است.

آهنگ (وزن) سروده‌های گاهانی

به‌طور فراگیر، سه گونه آهنگ در سروده‌ها بودیش (وجود) دارد

۱- آهنگ هجایی که در آن تنها برابری هجاها مورد نگرش است و کوتاهی و بلندی هجاها سنجه (معیار) نیست. آهنگ هجایی را آهنگین یا کیفی هم می‌گویند.

۲- آهنگ کمی که در آن برابری کوتاه و بلندی هجاها و سامان نهاده شدن آن‌ها ارزش دارد، مانند سروده‌های ودایی، سانسکریت، تازی و پارسی.

۳- آهنگ تکیه‌ای یا ضربی که در آن برابری شمار تکیه‌ها ارزش دارد. سروده‌های گاهانی، آهنگ هجایی است؛ ولی باید آگاهی داشت که در شمارش هجاها نیم بیت‌های گاهان، آهنگ سروده‌های ودایی و سانسکریت با آهنگ اوستایی همساز نیست به‌دلیل چیدمان هجاهای کوتاه و بلند که مبنای آهنگ سروده است، دارای سامان است. گرچه شماری از زبان‌شناسان آهنگ سروده‌های اوستایی را تکیه‌ای یا ضربی می‌دانستند ولی امروزه هجایی بودن سروده‌های گاهانی و اوستایی نو (متأخر) انظارهای (نظریه‌ای) فراگیر است و تنها در شمارش هجاها در نیم بیت‌های گوناگون نه سامان (اختلاف) وجود دارد.

پیشینه

پژوهش درباره زبان اوستایی و نسک اوستا به‌ویژه گاهان، از همان آغاز مورد نگرش گروندگان بوده و موبدان زندها (تفسیر) و برداشت‌هایی از تریسه گاهان داشته‌اند که جای پای شماری از آن‌ها را در نویسه‌های دینی دوره میانه می‌توان دید، نمارش‌هایی (اشاره‌هایی) از این‌گونه: (پوریوتکیشان=آموزگاران نخستین، گفته‌اند) یا (چنان‌که در دین پیداست) یا (در دین گفته شده است) و مانند آن‌که در نویسه‌های پهلوی بسیار آمده است نشان‌دهنده این جوهره (واقعیت) است که گزارندگان (مفسران) و نویسندگان این نویسه‌ها، نوشته‌های خویش را به گواه (استناد) نسک‌های اوستا و در برابری (انطباق) با آن گردآوری کرده‌اند.

یادگارهای گردآوری شده از این نویسندگان که امروزه پیرامون نسک‌های اوستا در دست است و بالارزش‌ترین نوشته در این باره به شمار می‌رود تنها نویسه‌های زند، یعنی گزارش (شرح) و بازنمود اوستا است؛ که برداشت موبدان دینی از نسک‌های اوستا را نشان می‌دهد، ولی ساخت جمله‌های آن زیر رهیافت (تأثیر) نویسه‌های اوستایی است و از این رو با ساخت جمله‌بندی پهلوی همسو نیست و آنچه بانام زند نیز بر آن افزوده شده است تهی از پیچیدگی نیست و دریافت آن‌ها به آسانی شدنی نیست. نویسه‌هایی مانند دینکرد نیز بر پایه اوستای زمان ساسانی هستند و آن‌ها را بایست بر دست‌هایی از نهاد (اصل) نسک اوستا دانست.

برگردان سانسکریت نریوسنگ بر پایه نویسه‌های زند تهیه شده و ناهمسانی چندانی با آن‌ها ندارد. تنها می‌تواند در پارهای از موارد به دریافت نویسه زند کمک کند. پارهای شواهد نیز در رد آن که نشان می‌دهد از همان آغاز میان بهدینان در دریافت نوشته‌های گاهار دربانگی و یا چندگانگی بوده و برداشت یکسانی از نوشته‌های آن وجود نداشته است در نویسه‌های گفتاری (روایی) زرتشتی مانند روایت پهلوی، دادستان دینی، مادگار هزار دادستان، سَد دربندهش، روایت داراب هرمزدیار نیز برداشت‌هایی از نویسه‌های اوستایی به‌ویژه وندیداد را می‌توان دید، ولی این نویسه‌ها تنها در میان گروندگان دین زرتشتی دارای ارزش هستند و باور موبدان دینی زمان ساسانیان درباره فرمان‌ها و دست‌برهای دینی را بازگو می‌کنند و دیدگاه دانشوارانه (علمی) آنان چندان توانمند نسبت به نوشته‌های اوستا جدا از دیدگاه دینی دارای ارزش دیگری نیز هست و آنگاه که کهن‌ترین، بالارزش‌ترین و استیگان‌ترین نوشته‌ای است که از فرهنگ ایرانی برجای مانده و انبوهی از نیایش‌ها، فرمان‌ها، فرزانش (فلسفه)، دانش، استوره‌ها و فرهنگ ایران باستان را در درون خویش گنجانیده است و از این رو در یکی دو سده گذشته در میان ایرانیان و از نزدیک سه سده پیش در انجمن‌های دانشوارانه اروپایی شناخته شده و بررسی‌های ارزشمندی درباره آن انجام شده است.

پژوهش‌های گاهان

آغازگر پژوهش‌های برابر سنجی (تطبیقی) اوستا دانشمندان باخترزمین بودند که پس از آشنایی با زبان سانسکریت و شناخت زبان‌های هم‌خانواده آن، به زبان اوستا نیز رویکرد ویژه (توجه خاص) نمودند و با نویسه‌هایی که آنکتیل دوپرون (Anquetill Duperron) از هند به اروپا آورد بر گنجینه سترگ و کهن فرهنگ ایرانی دست یافتند و از آن‌پس همه‌کسانی که در زبان‌های هندواروپایی جستجو کردند بخشی از کوشش‌های خود را به زبان اوستا ویژه کردند (اختصاص دادند).

دریافت و برگردان واژه‌های گاهان نیازمند آگاهی و چیرگی بر هنجارهای دگردیسی زبان (قواعد تحول زبان) برای واج‌ها و واژه‌ها، آشنایی با زبان‌های هم‌خانواده اوستا در باختر و خاور و بارزش‌تر، آگاهی از یزدان‌شناسی و اندیشه‌های فرزانی (فلسفه) دسترس یافته در خاور و شناخت اندیشه‌ها و پنداشت‌های ایرانیان باستان است.

این پژوهندگان را می‌توان به درجه پیروان اندیش‌گاه (مکتب) ایستاری و اندیش‌گاه دستوری (Ecole Traditionnelle et Ecole Etymologique) بخش کرد.

در میانه سده نوزدهم که پیشرفت‌های بنیادین در دانش اوستایی آغاز شده بود گروهی پیرو اندیش‌گاه یا شیوه ایستاری و گروهی پیرو اندیش‌گاه دستوری بودند، نماینده و پایه‌گذار اندیش‌گاه ایستاری اشیگل (Neigel) بود.

شیوه دستوری یا اندیش‌گاه اتیمولوژیک از بوپ (Boop) آغار می‌شود که بر پایه بررسی‌های بورنوف (Burnouf) است، اوست که برای نخستین بار واژه دَئَوَ (daēva-) اوستایی را در برابر دِوَ (deva-) هندی و اهورَ (ahura-) اوستایی را در برابر اسورَ (asura-) هندی قرارداد، پژوهشگران پیرو این اندیش‌گاه بیشتر در میان کسانی دیده می‌شدند که زندگانی خود را دَهِش (وقف) پژوهش‌های هندی و ودایی کرده بودند و از لحاظ دانش و گسترش پژوهش در رده درخشان‌ترین دانشمندان به حساب می‌آمدند. آن‌ها بیشتر برگردان‌های پهلوی و کارهای

ایستاری را نادیده می‌گرفتند و با وابستگی (اتکا) به شماری از اشتباهات آشکار در ژند پهلوی اوستا این اصل را پذیرفته بودند که زندها هیچ ارزشی ندارند و تنها نشان‌دهنده گونه‌ای خودگویی‌های حکیمانه (ادعاهای فاضلانیه) است.

دارمستر (Darmesteter) به شیوه دستوری خرده می‌گیرد و این کوتاهی را از آنجا می‌بیند که آنان اوستا را نوشته‌ای در برابر ودا قرار می‌دهند و آن را گویشی از زبان سانسکریت می‌دانند از این رو گرایش (تمایل) بسیار می‌یابند که بدون میانجی از راه آسان‌تر به وسیله دستور زبان ودایی و یافتن ریشه‌ها و اشتقاق واژه‌ها به پژوهش بپردازند تا از راه دشوار پژوهش‌های پهلوی، دوری گزینند و به جای آن به تکیه بر دانش اوستایی را با واژه‌شناس دیگر پهلوی بازنمود دهند با واژه‌شناسی و روشن‌ودایی این کار را انجام می‌دهند. در صورتی که از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، اوستا و ودا هر کدام ویژگی‌های وابسته (مربوط) به خود را دارند و هر واژه را باید در چارچوب باستانی و فرهنگی خود شناسایی کرد، به کارگیری این که هر دو نوشتار هر دو فو و فنگ از زبان همبسته و همانند بهره برده‌اند، شوند (دلیل) این نیست که ما دریافت (درک) یک واژه ودایی را همانند در زبان اوستایی بپذیریم. دریافت چم واژه‌ها از راه دستور زبان برابر سنجی به کنش (کار) نمی‌آید تنها در چارچوب نوشته‌ها و معنی‌های اوستایی و برگردان آن است که چم هر واژه را باید دریافت کرد.

پژوهش‌های اوستا شناسی در ایران

نخستین فرهیختگان ایرانی که در شناخت اوستا و پژوهش‌های آن بهره (سهم) دارند زرتشتیان هستند که در گذشته از راه اندوختن، برگردان و ژند اوستا این زبان را به راستی زنده نگه داشته و فرهنگ ایرانی را از سیج (خطر) نابودی در درازنای تاریخ رهانیده‌اند. در سده‌های گذشته نیز با شیوه‌های گوناگون و بدان گونه که ایستار دینی دادخواست (اقتضا) می‌کرده است نویسه‌های پازند را به خط اوستایی یا پارسی فراهم کرده‌اند. موبدانی مانند فیروز و اردشیر آذرگشسب، رستم شهزادی برگردان‌هایی از گاهان فراهم کرده‌اند که هر یک از آن‌ها در سرگذشت

پژوهش‌های اوستایی دارای جایگاهی ویژه هستند. بیرون از هازمان (جامعه) زرتشتی ایران و سازمان‌های دانشگاهی نیز علاقه‌مندانی به زبان‌های ایران کهن و به‌ویژه اوستایی بوده و هستند که گاه یادبودهایی نیز از آن‌ها پراگندش (انتشار) یافته است از آن‌همه می‌توان به برگردان وندیداد از داعی الاسلام و یسنا از مراد اورنگ و گاهان عباس شوشتری، حسین وحیدی و علی‌اکبر جعفری و برگردان‌های موسی جوان از کارهای اوستایی دارمستر نمارش (اشاره) کرد.

پژوهش کل یافته و دانشوارانه در زمینه اوستا در سازمان‌های پژوهشی و آموزش عالی نزدیک سال‌های دهه سوم سده گذشته آغاز شده است و در این گستره باید ابراهیم پوردهرباد را آغازکننده راه دانست او که با زبان اوستا و فرهنگ ایران باستان هم از راه «زمان دینی و هم از راه آموزش آن در نزد استادان اروپایی، آشنایی داشت و به کوشش خود را در این راه به کار بست و یک نوشته آراسته از انبوهه (مجموعه) اوستا، به جز وندیداد را به پارسی برگرداند و در این راه گام بسیار بزرگی برداشت در دنبال راه فرهنگ‌گان و دانشمندانی مانند محسن ابوالقاسمی، محمدتقی راشد محصل، مهشید میرفرخایی، سرکاراتی و ... که افزون بر یادگیری در نزد استادان خاوری به کار پژوهش و آموزش به دانش‌جویان این رشته کوشش‌های فراوانی را انجام داده‌اند نام برد که هازمان زرتشتی، دانشگاهی و همه دوستداران فرهنگ ایران وامدار کوشش‌های آن‌ها هستند.

زبان گاهان و دشواری‌های زند آن

گفتگو از درون‌مایه (محتوا) گاهان بسیار پیچیده است. کندوئاو (تحلیل) ساختاری واژه‌های گاهانی و برون‌آوری چم و اندر یافت (مفهوم) از آن‌ها با رویکرد به ریشه واژه‌ها و برداشت‌های گزارشگران زند روشی است که پارهای از اوستا‌شناسان بر آن پایبند هستند ولی زبان رمزی و اشاره‌ای (کنایی) گاهان و گستره چم واژه‌ها و برداشت‌های رمزی و مینوی (عرفانی) از آن‌ها ارزش این شیوه را پایین می‌آورد. از سوی دیگر آساهای (قوانین) کم‌کاربرد در گاهان بسیار است و آمیزش واژه‌ها و جای گرفتن آن‌ها در نویسه‌ها سامانی (نظمی) هنجارمند

(قانونمند) ندارد. از این رو کندوکاوهای زبانی گاهان از این روش ما را به درستی واژه‌ها نزدیک نمی‌کند.

پیروان مکتب هوفمن دانشمند اوستا شناس آلمانی و شاگردان برجسته او هومباخ و نارتن و گاه کلنز، بررسی ایستاری برای گاهان را نمی‌پسندند و شیوه کار آنان در برگردان و زند گاهان، سنجش آن با نویسه‌های ودایی و موشکافی و ساختاری (تجزیه و تحلیل) واژه‌هاست.

در بار این اندیشه شماری دیگر که نیبرگ را باید نمود آن دانست از شناخت (مینوی) ررشت سخن می‌گویند و او را مردی بینا (صاحب دل) می‌دانند و شماری دیگر که آوالانی نمود آن است برای بررسی گاهان فلسفه شرقی را پیشنهاد می‌کنند و بار بار دارند که این شیوه می‌تواند کران (افق) مینوی گاهان را بازگوید.

به هر حال بسیار دشوار است که آدمی بتواند سد در سد یک شیوه کندوکاو را بر شیوه‌های دیگر برتری دهد شاید بنیان این نکته را بر سخنان پیشین افزود که زبان گاهانی زبانی است پنداشتی (ایهائی) و هنری و قابل زند و گسترش (تعمیم) بر پدیده‌های گیتایی (مادی) و مینوی و هر زبانی که هر فارسی‌زبان با دریافت خود، از سخن فردوسی، حافظ، سعدی، سهروردی و ... نکته درمی‌یابد، هر جستجوگر نیز به گونه‌ای سخن گاهان را بیان می‌کند و شاید یکی از برتری‌های زبان گاهان همین است.

ناهمسانی بنیادی دیدگاه‌ها و برگردان گاهان، میان خاورشناسان و موبدان

برگردان و زند گاهان از دید ایستار و دانش خاورشناسان تا اندازه‌ای با یکدیگر ناهمسان است. این ناهمگونی بیشتر برآمده از دیدگاه‌های گزاردگان است که در این پژوهش کوشش می‌شود ناهمسانی‌های همه‌گیر (عمومی) برگردان‌های خاورشناسان و موبدان روشن شود.

از آنجایی که موبدان ایستاری بیشتر درباره واژه‌ها و مفاهیم رمزی و کنایی گاهان بازنمودی (توضیحاتی) نمی‌دهند. پژوهش درباره اندیشه‌های آنان بسیار

دشوار است. از میان اینان دستور ایرج تاراپوروالا از اندک برگردانندگانی است که افزون بر آموزش‌های ایستاری با زبان هم سنجی (مقایسه‌ای) و دستوری نیز آشنایی همه‌گیر داشت و برگردان وی از گاهان جزو نوشتارهای ارزش‌دار و استوار است به‌طوری‌که بن‌مایه به‌کاررفته برای موبدان ایرانی (آذرگشسب و شهزادی) نیز بوده است به همین شَوند (دلیل) درزمینه بررسی برداشت‌های ایستاری از نوشته وی در این پژوهش بهره نموده‌ایم و درزمینه بررسی برداشت‌های دستوری از برگردان هـ. باخ که برگردانی استیگان بر اوستا به زبان‌های اروپایی است، بهره نموده‌ایم.

ارزشمندی این بررسی

ارزش بررسی این ناهمگونی‌ها از این‌روی است که آنچه درباره دیدگاه خاورشناسان از گاهان می‌توانیم برداشت‌هایی است که یک‌راست و تنها با به‌کارگیری از دانش زبان‌شناسی و برابر سنجی آن با زبان هندی باستان به‌دست‌آمده است و کمتر از نگرش مبدائی که به روش ایستاری و در آموزشگاه‌های خانوادگی و یا ویژگی‌گانی (خصر می) بار آمده‌اند بهره شده است این نگرش شوند ناهمسان شدن برگردان‌های ایستاری با دانش‌ارائه از یکدیگر شده و گاه آن‌چنان ناهمگونی‌ها گسترده می‌شود که دریافت آن برای دینور بسیار دشوار می‌گردد بودش این ناهمگونی‌ها دریافت دانسته موشکافانه (دق) و درست از گاهان را اگر نه ناشدنی ولی دشوار کرده است. این دشواری کار بین‌رانی را که از نسک اوستا به‌عنوان سخن روشن دینی و دستور کار زندگی بهره می‌گیرند بسیار سخت کرده است.

شناخت این ناهمگونی‌ها می‌تواند پژوهندگان را در ارزیابی انبوهه نوشته‌های دینی و واژگانی آن یاری کند، دشواری‌های اوستا و به‌ویژه گاهان کرانمند (محدود) به این کندوکاوهای ناهمسان نیست سوبه (وجه) دیگر دشواری‌های آن کاربردهای کنایی و هنرمندانه زبان و دیگر ناشناخته بودن واژه‌های اوستایی است.